

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله عقیده اسلام ۳۸



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على
رسول الله و على آله و اصحابه الى يوم الدين و
اما بعد :

الله تبارک و تعالی پیامبر ما، محمد صلی الله علیه وسلم را با
بسیاری از ویژگیها و صفات بلند مرتبه که او را به وسیله آن
بر غیر خود از پیامبران برتری داده و او را از سایر عالمیان
جدا کرده، خاص نموده است. که از جمله این ویژگیها
عبارتند از:

۱. رسالت پیامبر صلی الله علیه وسلم برای تمام جن و انس
است و جز کسانی که از او پیروی نموده و به رسالت او
ایمان آورده اند ایمان از کسی دیگر پذیرفته نمی شود. الله
تعالی می فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا
وَنَذِيرًا﴾ (سبأ ۲۸)

«و ما تو را جز برای تمام مردم که مژده دهنده و ترساننده
آنها باشی نفرستادیم»

و می فرماید: ﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ
لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾ (فرقان ۱)

«با برکت است کسی که فرقان را بر بنده اش نازل فرمود تا
برای تمام دنیا ترساننده باشد»

ابن عباس رضی الله عنه می گوید "العالمين: الجن
والانس" «منظور از عالمین، اجنه و انسان است». و از

ابوهریریس روایت است که پیامبر ص فرمودند: «فُضِّلْتُ
عَلَى الْأَنْبِيَاءِ بِسِتٍّ أُعْطِيتُ جَوَامِعَ الْكَلِمِ وَنُصِرْتُ
بِالرَّعْبِ وَأُحِلَّتْ لِيَ الْغَنَائِمُ وَجُعِلَتْ لِيَ الْأَرْضُ
طَهْرًا وَمَسْجِدًا وَأُرْسِلْتُ إِلَى الْخَلْقِ كَافَّةً وَخْتَمَ

بِالنَّبِيِّينَ» «به وسیله شش چیز بر انبیاء فضیلت یافتم:
کاملترین کلامها به من داده شد، به وسیله ترس یاری داده
شدم، غنیمتها برای من حلال شد، زمین برای من پاک و
مسجد قرار داده شد، به سوی تمام مخلوقات فرستاده شدم و
به وسیله من نبوت پایان یافت». مسلم (۵۲۳).

امام مسلم در صحیحش از ابوهریره رضی الله عنه روایت می
کند که پیامبر ص فرمودند: «وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَا
يَسْمَعُ بِي أَحَدٌ مِنْ هَذِهِ الْأُمَمِ يَهُودِيٍّ وَلَا نَصْرَانِيٍّ
ثُمَّ يَمُوتُ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَّا كَانَ مِنْ
أَصْحَابِ النَّارِ» «قسم به کسی که نفس محمد در دست
اوست هیچ فردی از این مجتمع، یهودی یا نصرانی باشد
ممکن نیست دعوت من به آنها برسد، آن را بشنود، سپس
بمیرد و به آن ایمان نیاورد مگر اینکه از یاران آتش می
باشد». مسلم ۱۵۳.

۲. او همانگونه که نصوص بر آن دلالت دارد خاتم انبیاء و
رسولان است. الله تعالی می فرماید: ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ
مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ﴾ (احزاب
۴۰)

«محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست بلکه او رسول
خدا و خاتم پیامبران است».

شیخین از ابوهریره رضی الله عنه روایت می کنند که
پیامبر ص می فرماید: «إِنَّ مَثَلِي وَمَثَلَ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ
قَبْلِي كَمَثَلِ رَجُلٍ بَنَى بَيْتًا فَأَحْسَنَهُ وَأَجْمَلَهُ إِلَّا
مَوْضِعَ لَبْنَةٍ مِنْ زَاوِيَةٍ فَجَعَلَ النَّاسَ يَطُوفُونَ بِهِ
وَيَعْجَبُونَ لَهُ وَيَقُولُونَ هَذَا وَضَعَتْ هَذِهِ اللَّبْنَةُ
قَالَ فَاِنَّا اللَّبْنَةُ وَأَنَا خَاتَمُ النَّبِيِّينَ» «مثال من و سایر

پیامبران قبل از من، مانند مردی است که خانه ای زیبا و کامل بسازد مگر اینکه در گوشه ای، جای یک خشت را خالی بگذارد. مردم، اطراف آن دور می زنند و با تعجب می گویند: آیا این یک خشت، گذاشته نمی شود؟ نبی اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: من همان یک خشت و خاتم پیامبران هستم». بخاری (۳۵۳۵)، و مسلم (۲۲۸۶)

بر اساس این نصوص امت گذشته و آینده بر این عقیده اجماع دارند همانگونه که بر تکفیر کسی که ادعای پیامبری بعد از اوص را بنماید، و بر کشتن کسی که ادعای آن را دارد و بر آن اصرار می ورزد، اجماع دارند. آلوسی می گوید: "وكونه صلى الله عليه وسلم خاتم النبيين مما نطق به الكتاب، وصدعت به السنة، وأجمعت عليه الأمة، فيكفر مدعى خلافه ويقتل إن أصر" «بر اینکه اوص خاتم پیامبران است، کتاب به آن ناطق، سنت به آن حاکم و امت بر آن اجماع دارند و کسی که بعد از او مدعی نبوت است را تکفیر می کنند و اگر بر ادعای خود اصرار ورزد، کشته می شود».

۳. خداوند او را با بزرگترین معجزه و آشکارترین نشانه که قرآن عظیم است تأیید کرده است. کلام خدا از هر گونه تغییر و تبدیلی مصون است و در میان امت تا زمانیکه خداوند بر بلند کردن آن به سوی خود اجازه می دهد، باقی می ماند. الله تعالی می فرماید: ﴿قُلْ لِّينِ أَجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا﴾ (اسراء ۸۸)

«بگو اگر انس و جن گرد آیند بر آنکه مثل این قرآن آورند، هرگز نمی توانند مثلش را بیاورند و اگر چه یاور یکدیگر باشند»

و می فرماید: ﴿أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَى عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَى لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ (عنکبوت ۵۱)

«آیا برای آنها بس نیست که این کتاب را که بر آنان خوانده می شود بر تو فرستاده ایم؟ در حقیقت در این برای مردمی که ایمان دارند رحمت و یادآوری است».

و در صحیحین از ابوهریرس روایت می کنند که پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «مَا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ نَبِيٍّ إِلَّا أُعْطِيَ مَا مِثْلُهُ أَمِنْ عَلَيْهِ الْبَشَرُ وَإِنَّمَا كَانَ الَّذِي أُوتِيَتْ وَحْيًا أَوْحَاهُ اللَّهُ إِلَيَّ فَأَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَكْثَرَهُمْ تَابِعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ» «به هر یک از پیامبران، معجزه ای عطا شده است که مردم به آن، ایمان بیاورند. و آنچه به من عنایت شده، وحی است که خداوند بسوی من فرستاده است. پس امیدوارم که روز قیامت، از سایر پیامبران، پیروان بیشتری داشته باشم». بخاری (۴۹۸۱) و مسلم (۱۵۲).

۴. امت او بهترین امتهای و بیشترین افراد اهل بهشت هستند. الله تعالی می فرماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ (آل عمران ۱۱۰)

«شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدید آورده شده است به معروف امر می کنید و از منکر و ناپسند نهی می نمایید و به خداوند ایمان دارید».

از معاویه بن حیده قشیریس روایت است که از پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد این آیه { كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ } شنیده که فرمودند: «إِنَّكُمْ تَتَمَوَّنَ سَبْعِينَ أُمَّةً أَنْتُمْ خَيْرُهَا وَأَكْرَمُهَا عَلَى اللَّهِ» «شما تمام کننده هفتاد امت هستید که از همه آنها بهتر، و گرامی ترین آنها نزد خداوند می باشید». ترمذی ۵ / ۲۲۶

و در صحیحین از عبدالله بن مسعود روایت است که گفتند: «كُنَّا مَعَ النَّبِيِّ فِي قَبَّةٍ فَقَالَ أَرْضَوْنَ أَنْ تَكُونُوا رُبْعَ أَهْلِ الْجَنَّةِ قُلْنَا نَعَمْ قَالَ أَرْضَوْنَ أَنْ تَكُونُوا ثُلُثَ أَهْلِ الْجَنَّةِ قُلْنَا نَعَمْ قَالَ أَرْضَوْنَ أَنْ تَكُونُوا شَطْرَ أَهْلِ الْجَنَّةِ قُلْنَا نَعَمْ قَالَ وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ تَكُونُوا نِصْفَ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَذَلِكَ أَنَّ الْجَنَّةَ لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا نَفْسٌ مُسْلِمَةٌ وَمَا أَنْتُمْ فِي أَهْلِ الشِّرْكِ إِلَّا كَالشَّعْرَةِ الْبَيْضَاءِ فِي جِلْدِ الثَّوْرِ الْأَسْوَدِ أَوْ كَالشَّعْرَةِ السَّوْدَاءِ فِي جِلْدِ الثَّوْرِ الْأَحْمَرِ» «با پیامبر صلی الله علیه وسلم در خانه ای نشسته بودیم. فرمود: آیا راضی هستید که یک چهارم اهل بهشت از شما باشد؟ گفتیم: بلی. سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: آیا راضی هستید که یک سوم اهل بهشت شما باشید؟ گفتیم: بلی. فرمود: راضی هستید که نصف اهل بهشت شما باشید؟ گفتیم: بلی. فرمود: قسم به کسی که جان محمد در دست اوست امیدوارم که نصف اهل بهشت از شما باشد چون جز افرادی که ایمان دارند کسی وارد بهشت نمی شود و شما در میان مشرکان مانند

موی سفیدی در پوست یک گاو سیاه یا مانند یک موی سیاه در پوست یک گاو قرمز هستید.» بخاری (۶۵۲۸) و مسلم (۲۲۱).

۵. او سرور فرزندان آدم روز قیامت است. از ابوهریر هس روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «أَنَا سَيِّدُ وَلَدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَوَّلُ مَنْ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْقَبْرُ وَأَوَّلُ شَافِعٍ وَأَوَّلُ مُشَفِّعٍ» «من روز قیامت سرور فرزندان آدم و اولین کسی هستم که قبرش شکافته می شود و اولین شفاعت کننده و اولین کسی هستم که شفاعتش پذیرفته می شود». مسلم (۲۲۷۸).

۶. پیامبر صلی الله علیه وسلم صاحب شفاعت عظمی است و آن شفاعت در حق اهل موقف (صحرای محشر) می باشد تا خداوند بین آنها بعد از آنکه آن سختی را به وسیله برترین پیامبران از آنها دور نمود، دآوری و قضاوت نماید و آن مقام محمود ذکر شده در این سخن الله تعالی است: «وَمِنَ الْأَيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا» (اسراء ۷۹)

«امید است که خداوند تو را به مقام محمود برساند».

جمعی از صحابه و تابعین از جمله حذیفه، سلمان، انس، ابوهریره، ابن مسعود، جابر بن عبدالله، ابن عباس، مجاهد، قتاده و دیگران از مقام محمود به شفاعت تفسیر کرده اند. قتاده می گوید: "كان أهل العلم يرون المقام المحمود هو شفاعته يوم القيامة" «اهل علم بر این رأی هستند که مقام محمود همان شفاعت او در روز قیامت

است». سنت نیز همچنین بر شفاعت پیامبر صلی الله علیه وسلم در آن موقف دلالت دارد همچنانکه آن در حدیث طولانی شفاعت که شیخین از ابوهریر هس روایت می کنند که پیامبر صلی الله علیه وسلم عذر آوردن آدم، سپس نوح، بعد از او ابراهیم سپس موسی و در آخر عیسی از قبول کردن شفاعت ذکر نمود و همه آنها می گویند: (لست هناك)

«ما در جایی نیستیم که شفاعت کنیم» تا آنجا که

فرمود: «فيا تونني فأنطلق، فاستأذن على ربي فيؤذن لي عليه، فإذا رأيته وقعت له سجدا فيدعني ما شاء الله أن يدعني، ثم يقال لي: ارفع محمد، قل يسمع، وسل تعطه، واشفع تشفع فأحمد ربي بمحامد علمنيها ثم أشفع» (..). «پس نزد من می آیند و من می روم تا از پروردگارم اجازه بگیرم پس به من اجازه داده می شود هنگامی که پروردگارم را می بینم به سجده می افتم آن مقدار که خداوند بخواهد در همان حالت سجده باقی می مانم. سپس به من گفته می شود: ای محمد سرت را بلند کن، بگو گفته هایت شنیده می شود، و درخواست کن که به تو بخشیده می شود، و شفاعت کن که شفاعت پذیرفته می شود پس خداوند را با سپاس و ثنایی که خود یاد داده است سپاس و ستایش می گویم و سپس درخواست شفاعت می کنم». بخاری (۳۳۴۰) و مسلم (۱۹۳).

۷. پیامبر صلی الله علیه وسلم صاحب پرچم حمد می باشد و آن پرچمی است که حقیقت دارد و حمل کردن آن در روز قیامت به او اختصاص دارد. و مردم تابع او می شوند و در زیر پرچم او قرار می گیرند و آن پرچم مخصوص اوست

زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم خداوند را به چیزهایی ستایش نموده که جز او کسی دیگر خداوند را با آن ستایش ننموده است. تعدادی از اهل علم این را ذکر کرده اند. و سنت بر اختصاص داشتن آن پرچم با فضیلت عظیم به پیامبر صلی الله علیه وسلم دلالت دارد. از ابوسعید خدری روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «أَنَا سَيِّدُ وَلَدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا فَخْرَ وَبِيَدِي لَوَاءُ الْحَمْدِ وَلَا فَخْرَ وَمَا مِنِّي يَوْمَئِذٍ آدَمَ فَمِنْ سِوَاهِ إِلَّا تَحْتَ لَوَائِي وَأَنَا أَوَّلُ مَنْ تَنْشَقُّ عَنْهُ الْأَرْضُ وَلَا فَخْرًا» «من سرور فرزندان آدم روز قیامت هستم و پرچم حمد و ثنا به دست من است و فخری نیست و هیچ پیامبری در آن روز نیست مگر اینکه زیر پرچم من است و من اول کسی هستم که قبرم شکافته می شود و من فخر نمی فروشم». سنن ترمذی ۵ / ۵۸۷.

۸. پیامبر صلی الله علیه وسلم صاحب وسیله است و آن مرتبه بلندی در بهشت است و آن جز نصیب یک نفر نمی شود و بلندترین درجه بهشت می باشد. از عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنه روایت است که گفت از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که فرمودند: «إِذَا سَمِعْتُمُ الْمُؤَذِّنَ فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ ثُمَّ صَلُّوا عَلَيْهِ فَإِنَّهُ مِنْ صَلَّيَ عَلَى صَلَاةٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرًا ثُمَّ سَلُّوا اللَّهَ لِي الْوَسِيلَةَ فَإِنَّهَا مَنْزِلَةٌ فِي الْجَنَّةِ لَا تَنْبَغِي إِلَّا لِعَبْدٍ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ وَأَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَنَا هُوَ فَمَنْ سَأَلَ لِي الْوَسِيلَةَ حَلَّتْ لَهُ الشَّقَاعَةُ» «هنگامی که صدای مؤذن را شنیدید مانند آنچه که می گوید، تکرار نمایید سپس بعد از اتمام اذان بر من صلوات بفرستید هر کس بر من صلوات بفرستد خداوند ده برابر بر او

صلوات می فرستد سپس از خداوند برای من وسیله را بخواهید. آن جایگاهی در بهشت است که شایسته جز بنده ای از بندگان خدا نیست و امیدوارم که آن شخص من باشم پس هر کس برای من وسیله را درخواست نماید شفاعت من برایش ممکن می گردد». مسلم (۳۸۴).

و سایر خصوصیات و صفات عالی پیامبر صلی الله علیه وسلم که دلالت بر بلندی جایگاه او نزد الله تعالی دارد و جایگاه او را در دنیا و آخرت بلند می گرداند و این خصوصیات بسیار زیاد هستند.

بیان نمودن اینکه دیدن پیامبر صلی الله علیه وسلم در خواب، حق است:

سنت بر ممکن بودن دیدن پیامبر صلی الله علیه وسلم در خواب دلالت دارد و اینکه هر کس او را در خواب ببیند به تحقیق دیده است.

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مَنْ رَأَى فِي الْمَنَامِ فَقَدْ رَأَى فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتِمَّتْ لَهُ بِى» «هر کس مرا در خواب ببیند به تحقیق دیده است زیرا شیطان نمی تواند خود را به شکل من در آورد» مسلم (۲۲۶۶).

و در لفظ دیگر که شیخین از ابوهریره رضی الله عنه روایت می کنند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مَنْ رَأَى فِي الْمَنَامِ فَسَيَرَانِي فِي الْيَقَظَةِ وَلَا يَتِمَّتْ لَهُ الشَّيْطَانُ بِى» «هر کس، مرا در خواب ببیند، در بیداری هم خواهد دید. شیطان نمی تواند خود را به شکل و صورت من در آورد». بخاری (۶۹۹۳)، و مسلم (۲۲۶۶).

بخاری از ابن سیرین روایت میکند که گفت: «إِذَا رَأَى فِي صُورَتِهِ» «هنگامی که او را در شکل و شمایل خود پیامبر صلی الله علیه وسلم ببیند (روایش صحیح است)». از جابر بن عبدالله روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مَنْ رَأَى فِي النَّوْمِ فَقَدْ رَأَى إِنَّهُ لَا يَنْبَغِي لِلشَّيْطَانِ أَنْ يَتَشَبَّهَ بِى» «هر کس مرا در خواب ببیند به حقیقت مرا دیده است زیرا شیطان نمی تواند که خود را به من شبیه کند». مسلم (۲۲۶۸)

احادیث بر درستی دیدن پیامبر صلی الله علیه وسلم در خواب دلالت دارند هر کس او را ببیند پس روایش درست است زیرا شیطان نمی تواند خود را به شکل رسول الله صلی الله علیه وسلم در آورد در ضمن باید هوشیار باشیم که دیدن صحیح رسول الله صلی الله علیه وسلم زمانی است که او را بر صورت حقیقتی او که صفات آن مشخ صلی الله علیه وسلم است دیده باشد و گرنه دیدن او صحیح نیست و برای این است که ابن سیرین میگوید: «إِذَا رَأَى فِي صُورَتِهِ» «هنگامی که او را در شکل و شمایل خود پیامبر صلی الله علیه وسلم ببیند (روایش صحیح است)». همچنانکه نقل آن از بخاری گذشت.

بخاری برای این قول ابن سیرین را بعد از ذکر حدیث آورده تا تفسیری برای رؤیت و دیدن او در حدیث باشد. و شاهد بر آن آنچه است که حاکم از طریق عاصم بن کلیب که او نیز از پدرش روایت کرده که گفت: (قُلْتُ لَابْنِ عَبَّاسٍ رَأَيْتَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْمَنَامِ. قَالَ: صَفَهِ لِي. قَالَ: ذَكَرْتُ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ

فَشَبَّهْتَهُ بِهِ. قَالَ: إِنَّهُ كَانَ بِشَبْهِهِ) «به ابن عباس گفتم: پیامبر را در خواب دیدم. فرمود: او را برایم وصف کن. گفت: حسن بن علی را به یاد آوردم پس پیامبر را به او تشبیه نمودم. گفت: او شبیه حسن بن علی بود».

از ایوب روایت است که گفت: «كَانَ مُحَمَّدٌ - يَعْنِي ابْنَ سِيرِينَ - إِذَا قُصِيَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَيْهِ رَجُلٌ أَنَّهُ رَأَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: صَفَ لِي الَّذِي رَأَيْتَهُ. فَإِنْ وَصَفَ لَهُ صِفَةً لَا يَعْرِفُهَا قَالَ: لَمْ تَرَهُ» «محمد یعنی ابن سیرین هنگامی که مردی بر او بازگو نمود که پیامبر صلی الله علیه وسلم را دیده است گفت: کسی را که دیده ای برایم توصیف کن؟ چون او را وصف نمود آن صفات پیامبر صلی الله علیه وسلم نبود. به او گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم را ندیده ای». (سند صحیح) اما این سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم «مَنْ رَأَى فِي الْمَنَامِ فَسَيَرَانِي فِي الْيَقَظَةِ» «هر کس، مرا در خواب ببیند، در بیداری هم خواهد دید». علما در تفسیر دیدن او در بیداری اقوال بسیار دارند که مشهورترین آنها این سه قول است:

اول اینکه: منظور از آن، مشابهت و مثال آوردن است و دلیل بر این گفته آنچه است که در روایت مسلم از حدیث ابوهریره آمده که در آن می فرماید: «فَكَانَمَا رَأَى فِي الْيَقَظَةِ» «مانند این است که مرا در بیداری دیده باشد».

دوم اینکه: آن مخصو صلی الله علیه وسلم اهل زمان خودش بوده از کسانی که به او ایمان آورده اند قبل از اینکه او را ببینند.

سوم اینکه: منظور از آن روز قیامت است. پس اینگونه می شود کسی که او در خواب ببیند بر کسی که او را در خواب ندیده مزیت بیشتری دارد. و الله تعالی اعلم.

پایان رسالت با مبعوث شدن پیامبر اسلام و بیان اینکه بعد از او پیامبری نمی آید:

سخن در این باره همراه با ذکر دلایل به همراه سخن گفتن در مورد ویژگیهای پیامبر صلی الله علیه وسلم و اینکه او خاتم پیامبران است، گذشت و سخن در باره پایان رسالت از جهت دیگر تأثیر این عقیده (ختم نبوت) بر دین مسلمانان و ثمره اثبات آن بر آنهاست. از ثمره و نتایج این عقیده:

۱. پابرجا شدن شریعت و کامل شدن دین نزد امت که اثر و نشانه بزرگ در زندگی امت دارد به اندازه ای است که الله تعالی با ذکر این آیه بر امت نعمت داده است که می فرماید: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مانده ۳)

«امروز دینتان را برای شما کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و راضی شدم که اسلام دینتان باشد».

این آیه بر پیامبر صلی الله علیه وسلم در حجة الوداع چند ماه قبل از وفاتشان و بعد از اینکه خداوند دین را برایش کامل

نمود، نازل شد. برای همین یهود بر مسلمانان بخاطر این آیه غبطه می خوردند. شیخین روایت می کنند که مردی از یهود پیش عمرس آمد و گفت: (آيَةُ فِي كِتَابِكُمْ تَقْرَءُونَهَا لَوْ عَلَيْنَا مَعَشَرَ الْيَهُودِ نَزَلَتْ لَاتَّخَذْنَا ذَلِكَ الْيَوْمَ عِيدًا قَالَ أَيْ آيَةُ قَالَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ ...) «آیه ای در کتاب شماست که آن را می خوانید اگر آن بر ما یهودیان نازل می شد آن روز را عید می گرفتیم. گفت: کدام آیه است؟ مرد یهودی گفت: { الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ ... } «امروز دینتان را برای شما کامل کردم». البخاری (۴۵)، و مسلم (۳۰۱۷).

پیامبر صلی الله علیه وسلم حقیقت آن را بصورت محسوس و قابل فهم ابراز کرده و رسالت های قبل از خود را به ساختمانی زیبا و کامل که تنها جای یک خشت آن باقیمانده تشبیه کرده است. پس بعثت او جای همان خشتی بود که ساختمان به وسیله او تکمیل شد. و در بیان روشن آن مجالی برای زیاد کردن در دین بصورت ویژه و در تمام رسالت ها به صورت عام باقی نمی ماند همچنانکه زیاد کردن در آن ساختمان بعد از تکمیل آن ممکن نیست. سخن در این باره همراه با ن صلی الله علیه وسلم آن در مبحث خصوصیات و ویژگیهای پیامبر صلی الله علیه وسلم تقدیم شد که می توانید به آن مراجعه نمایید.

۲. امت اطمینان می یابد که این دین و شریعت محمد صلی الله علیه وسلم با بعثت پیامبر دیگری نسخ نمی پذیرد. "ومعنى ختم النبوة بنبوته عليه الصلاة

والسلام أنه لا تبتدأ نبوة ولا تشرع شريعة بعد نبوته وشرعته، وأما نزول عيسى عليه السلام وكونه متصفا بنبوته السابقة فلا ينافي ذلك، على أن عيسى عليه السلام إذا نزل إنما يتعبد بشريعة نبينا صلى الله عليه وسلم دون شريعته المتقدمة لأنها منسوخة فلا يتعبد إلا بهذه الشريعة أصولا وفروعا " «معنی اینکه پیامبری با مبعوث شدن او ختم شده این است که بعد از نبوت و شریعت او دیگر پیامبر و شریعتی جدید نخواهد آمد. اما نزول عیسی؛ اینکه قبلاً او متصف به صفت نبوت شده است، منافاتی با آن ندارد. زیرا عیسی؛ هنگامی که نازل می شود به شریعت پیامبر ما صلی الله علیه وسلم بدون شریعت سابق به عبادت می پردازد زیرا آن (شریعت خودش) منسوخ شده است پس عبادت جز با اصول و فروع این شریعت انجام نمی گیرد».

۳. بطور قطع و یقین هر کس بعد از پیامبر صلی الله علیه وسلم مدعی نبوت باشد بدون هیچگونه دورانیشی و تأملی او دروغ می گوید و این از بارزترین ثمرات ایمان به عقیده پایان یافتن نبوت است که به وسیله آن برای امت از تبعیت کنندگان کسانی که مدعی نبوت هستند از دجالهای دروغگو مصونیت حاصل می شود. از این رو آگاه ساختن بر این امر عظیم از بزرگترین اهداف پیامبر صلی الله علیه وسلم در بیان اعتقاد به اینکه نبوت به وسیله او پایان یافته و خبر دادن از سی دجال دروغگو در این امت که همگی ادعای نبوت می کنند سپس بیان اینکه پیامبری بعد از او نمی آید هشدار برای امت از تصدیق کردن و تبعیت کردن از آنهاست. همچنانکه این در حدیث ثنابان در مورد فتنه

بصورت مرفوع از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که در آن می فرماید: «... وَ إِنَّهُ سَيَكُونُ فِي أُمَّتِي ثَلَاثُونَ كَذَّابُونَ كُلُّهُمْ يُزْعَمُ أَنَّهُ نَبِيٌّ وَأَنَا خَاتَمُ النَّبِيِّينَ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» «در امت من سی نفر دروغگو که همه آنها گمان می کنند پیامبر هستند می آیند در حالیکه من خاتم پیامبران هستم و بعد از من پیامبری نمی آید». سنن ترمذی ۴

۴۹۹ /

۴. ظاهر شدن فضل و بزرگی امیران و علمای این امت در قرار دادن مصلحت دین و دنیای این امت بر خلاف بنی اسرائیل که پیامبران وظیفه اداره آن را بر عهده داشتند. از ابوهریره روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «كَانَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ تَسُوسُهُمُ الْأَنْبِيَاءُ كُلَّمَا هَلَكَ نَبِيٌّ خَلَفَهُ نَبِيٌّ وَإِنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَسَتَكُونُ خُلَفَاءُ تَكْثُرُ قَالُوا فَمَا تَأْمُرُنَا قَالَ فُوا بَبَيْعَةِ الْأَوَّلِ فَأَلَّوْا وَأَعْطَوْهُمْ حَقَّهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ سَأَلَهُمْ عَمَّا اسْتَرْعَاهُمْ» «قبلاً پیامبران اداره امور ملت بنی اسرائیل را به عهده داشتند هر وقت پیامبری فوت می کرد پیامبری دیگر به جای او می نشست و زمام امور را به دست می گرفت. اما بعد از من پیامبری نخواهد آمد و زمام امور در دست جانشینان و خلفاء خواهد بود. ایشان هم تعدادشان فراوان خواهد بود. اصحاب گفتند: به ما چه دستور می دهید؟ فرمود: به ترتیب تقدم بيعت آنها را رعایت کنید و حق آنان را ادا کنید و خداوند از آنها در مورد زیردستانشان مورد بازخواست قرار می دهد». مسلم (۱۸۴۲)

پس مقام خلفا در این امت، مقام انبیاء در بنی اسرائیل در امور دنیوی مردم و رهبری آنهاست. در حدیث دیگری از

ابوهریره رضی الله عنه آمده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ عَلَى رَأْسِ كُلِّ مِائَةِ سَنَةٍ مَنْ يُجَدِّدُ لَهَا دِينَهَا» «خداوند برای این امت هر صد سال کسی را می فرستد که دینشان را برایشان تجدید می نماید». أبو داود (۴۲۹۱)

و واقعیت امت به آن شهادت می دهد پس امر دین و دنیا به وسیله خلفاء، امیران و علما، کسانی که به وسیله شریعت زمام امور مردم را به دست می گیرند، از بین نمی رود و الله تعالی با تجدید ساختن آن برای امت نمی گذارد از آنچه از نشانه های دین که با گذشت زمانها ناپدید می شوند، از بین روند. به وسیله امامان مجدد تحریفات بدخواهان، پذیرش دروغگویان و تفسیر جاهلان از کتاب خدا را نفی می کند. پس دین خدا به وسیله آنها پابرجا شاداب و باطراوت بر همان ایستادگی و طراوتی که در عهد بعثت و زمان رسالت بود، برمی گردد. و آن، فضل و بزرگی خداوند در حق این امت بصورت عام و شرف و بزرگی او با این مقام و منزلت بصورت خاص صلی الله علیه وسلم است.

به هر حال عقیده به ختم نبوت و آثار آن در دین از بارزترین و مشخص صلی الله علیه وسلم ترین ویژگیهای این امت است که آن را با قدرت ایمان به دینشان و ایمان یقین به آن و با پایداری در ثبات و استقامت بر آن می گیرند. تا اینکه امر خداوند بیاید.

وَصَلَّى اللَّهُ وَسَلَّمَ عَلَى نَبِينَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ.
وَأَخِرُ دَعْوَانَا أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.